

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بیژن نیابتی
۰۱ دسمبر ۲۰۱۳

یادداشت سیاسی : توافق ژنیو

توافق قابل انتظار ژنیو، واکنشهای متفاوتی را چه به لحاظ داخلی و چه در ابعاد بین المللی به دنبال داشت. واکنشهایی که بیشتر در ارتباط با محتوا و تحلیل بندهای توافق مذکور بوده و کمتر به تبعات سیاسی و تأثیرات کوتاه مدت آن بر توازن قوای داخلی و منطقه ای پرداخته است. گفتیم "توافق قابل انتظار"، چرا که روند تحولات سیاسی در رابطه با معضل ائومی ایران به نقطه ای رسیده بود که جنگ یگانه آلترناتیو "توافق" می توانست باشد. چیزی که هم کابوس رژیم جمهوری اسلامی بوده و هست و هم آخرین گزینه نامطلوبی که برای کبوترهای امریکائی متصور می باشد. بنابراین به باور من آنچه که در ژنیو مهم بود نه بردن یک طرف که بازنده نشدن یکی از طرفین بود. به عبارت بهتر در اینجا نفس خود توافق و تبعات سیاسی آن مهم است و نه محتوای آن. چرا که آلترناتیو "توافق ژنیو" همانگونه که اشاره کردم فقط یک چیز بود. یک جنگ ناخواسته و تحمیلی. جنگی که راسیستهای اسرائیلی و سرانگشتان پلیدشان در صحنه سیاست جهانی و به ویژه در ایالات متحده با تمام توش و توان به دنبال شعله ور کردن آن بودند. به این اعتبار اگر "توافق ژنیو" یک بازنده واقعی داشته باشد همانا دولت مزبور و لابی جنایتکارش در امریکا است.

اما تا آنجا که به تبعات توافق برمی گردد، رژیم جمهوری اسلامی موفق می شود که تهدید واقعی یک جنگ خانمانسوز را که بی تردید ریش و ریشه خودش را هم می سوزاند، حداقل تا پایان حاکمیت کبوترها در کاخ سفید از روی میز گزینه ها دور نماید و این اساسی ترین و مهمترین دستاوردی هست که رژیم در تمامیت خود به دنبال آن بوده است. ضمن این که حق غنی سازی اورانیوم نیز به طور ضمنی برایش به رسمیت شناخته می شود. این هم باز از تبعات توافق است چرا که در خود به اصطلاح توافقنامه نه این حق به رسمیت شناخته شده و نه سلب گردیده است. یعنی به زبان دیپلماتیک برای هر دو طرف قابل تفسیر است و تفسیر هم شده است. فراموش نباید کرد که پروژه ائومی برای رژیم از آغاز هم نه یک پروژه تهاجمی که پروژه ای تماماً تدافعی با خصلت حفظ و تداوم نظام بوده است.

یکی دیگر از تبعات سیاسی "توافق ژنیو"، تأثیرات بلافصل آن در توازن قوای داخلی و منطقه ای می باشد. در داخل، کفه باند روحانی - رفسنجانی را در مقابل ولایت خامنه ای و در منطقه کفه "محور شیعی" را در مقابل "محور وهابی" سنگین می کند. اعلام استقبال زورکی عربستان از "توافق ژنیو" و سفر عجولانه وزیر امور خارجه امارات به تهران را در این راستا باید دید. اینها همه البته تبعات کوتاه مدت هستند همانطور که خود توافقنامه هم کوتاه مدت و موقتی و به اذعان هر دو طرف قابل بازگشت! می باشد. تبعات دراز مدت آن اما، عمیقتر شدن شکاف ژئوپلیتیک در

منطقه علیه جمهوری اسلامی است که این خود بحث جداگانه ای را می طلبد. و اما خود توافقنامه تا آنجا که به خود مذاکرات برمی گردد تنها نقطه پایانی یک مرحله تخاصم آشکار و ورود به فاز آتش بس موقت می باشد. نه بیشتر!

مذاکرات سیاسی میان دو طرف متخاصم معمولاً سه شق بیشتر ندارد. یا یکی از طرفین برنده و دیگری بازنده بیرون می آیند یعنی "برد - باخت"، یا هر دو چیزهائی را به دست می آورند بدون آن که چیزی از دست بدهند یعنی "برد - برد" و یا طرفین چیزهائی را از دست می دهند بدون آن که چیزی به دست آورند. اینهم می شود "باخت - باخت". توافق ژنیو نه برنده دارد و نه بازنده! بنابراین هیچ کدام از اینها نیست! به همین جهت برای هر دو طرف بیشترین "نه باخت" به شمار می آید. هدف از آغاز هم همین بوده است. هدف از سرکارآمدن دولت اعتدالی هم غیر از این نبوده است.

دلیل شکست مذاکرات چند سالة اخیر پس از روی کار آمدن دولت اوپاما این بود که امریکا فقط دنبال "برد" بود. یعنی با زرنگی می خواست آنچه را که سلف گاوچران با زور و قلدری نتوانسته بود محقق کند، بر سر میز مذاکره و با زبان خوش به دست آورد. این تاکتیک عمل نکرد!

انتخاب دوباره اوپاما که علی رغم مخالفت علنی دولت حرامزاده و لابی مقتدر آن در امریکا صورت پذیرفت، تعادل قوای جدیدی را در سطح جهانی به دنبال داشت که استقلال نسبی موضع ریاست قوه مجریه در امریکا یکی از نشانه های آن هست. خودداری از تهاجم نظامی به سوریه در دقیقه نود و همین "توافق ژنیو" نیز از دیگر نشانه های این "تعادل جدید" می باشند.

این "تعادل جدید" دولت اوپاما را قادر می کند که در دور دوم ریاست جمهوری، تکتیک شکست خورده قبلی را در رابطه با معضل ایران به کناری گذاشته و تکتیک جدیدی را اتخاذ کند. این تکتیک چیزی نیست جز سوراخ کردن نظام بسته جمهوری اسلامی از طریق برقراری ارتباط مستقیم با هردولتی در ایران که با رهبری خامنه ای زاویه داشته باشد. به همین دلیل هم دولت اوپاما مذاکرات مستقیم و البته مخفی خود با همان دولت احمدی نژاد را هم از یک سال پیش از انتخابات ریاست جمهوری در ایران شروع کرده بود. مشکل احمدی نژاد این بود که برخوردار از مشروعیت داخلی و بین المللی نبود. بنابراین باید ضمن ادامه مذاکرات پنهان ولی مستقیم میان دولت اوپاما و همان احمدی نژاد منفور، علنی کاری و نشستن بر سر یک میز را موکول به سرکار آمدن یک دولت منتخب و ایضاً مشروعی! همچون دولت روحانی می کردند. البته هر کس دیگری هم که به جای حسن روحانی و در کادر تعادل قوای داخلی ولی براساس صندوق رأی بر سر کار می آمد باز هم بر سر این میز می نشست.

هدف استراتژیک دولت اوپاما و جناح کبوترها اما همچنان براندازی نرم رژیم ولایت فقیه است. هدف کوتاه مدت ایالات متحده، سوراخ کردن رژیم از طریق مشروعیت دادن به جناحهای رقیب ولایت فقیه در عین حفظ ساختار تحریمها به مثابه یک اهرم فشار کارآمد و در دراز مدت هدایت رژیم به سمت فروپاشی است. نبرد اصلی بر سر تصاحب قدرت سیاسی در آن نقطه صورت خواهد گرفت. دست به دست شدن قدرت سیاسی در ایران مسالمت آمیز نخواهد بود. بویی که شاید به مشام بعضی ها رسیده باشد، بوی کباب به حاکمیت رسیدن مسالمت آمیز "راست میانه" نیست، تنها بوی داغ شدن حمار جنگ طلبی است.

یعنی این که این توافقنامه در بعد خارجی، مجموعه نیروهائی که فعالانه به دنبال تحریک ایالات متحده به تهاجم نظامی به ایران بودند و در رأس آنان دولت نژادپرست اسرائیل را ایزوله و به حاشیه راند. این را البته باید به فال نیک گرفت. در بعد داخلی نیز یک بار دیگر "طایفه سَمحه و سَهله" یعنی همان داغ ننگ خوردگان اهل مدارا و تسامح با جلا را از سوراخ بیرون کشیده و باز هم با امید به اندک اصلاحی در نظام اسلامی به تبریک گوئی و پیام رسانی واداشته است. اینرا هم باید به فال نیک گرفت! این بیچارگان نمی خواهند بفهمند که اگر در باغ وحش ولایت، امکان رفرم، واقعی

بود نه آن جنیش کذائی سبز با یک تشر مقام عظمی جل و پلاس میلیونی اش را جمع کرده و به کنج خانه می خزید و نه آن گفتمان کذائی اصلاحات جا برای "گفتمان اعتدال" خالی کرده و خود به زائده بی مقدار آن تبدیل می گردید . در یک کلام ، خلاصی از دست جمهوری اسلامی یک راه حل بیشتر ندارد و آن سرنگونی قهرآمیز تام و تمام آن می باشد. این ضرورت حیاتی دیر و زود می تواند داشته باشد ، سوخت و سوز اما نخواهد داشت .

بیژن نیابتی ، ۸ آذرماه [قوس] ۱۳۹۲